شکل‌های زندگی

به بهانه نمایش «و آنک انسان» محمد رضایی‌راد
زندگی باید رنج بکشد

نادر شهریوری (صدقی)

«بخشید اجازه بدید از اول شروع کنم»، «هیچی سر جای خودش نیست»، اینها جملاتی‌اند که در نمایش «و آنک انسان» تکرار می‌شود. «و آنک انسان»، «مونولوگ است و مونولوگ بهترین شکل برای اعتراف است. هر اعتراف، از «دردی درونی» یا «وجدانی معذب» نشأت می‌گیرد. در وجدان معذب «حس گناه» وجود دارد. یعنی باید یک گناه وقوع داشته باشد تا اعتراف انجام پذیرد. نتیجه به‌عنوان زبان‌شناس ریشه کلمه گناه را متزادف با «بدی» و اعتراف‌کننده را به‌دهکار می‌داند. منهم با اعتراف بدهی خود را نسبوه می‌کند. گویی تنها در آن صورت است که چیزها دوباره به سر جای خودشان بازمی‌گردند. یاقوبری پتروبچ، بازپرس راسکولنیکوف مدام دایره اطراف راسکولنیکوف را تنگ‌تر می‌کند تا راسکولنیکوف که مرتکب جنایتی هولناک شده را به اعتراف خودخواسته بکشاند. یاقوبری پتروبچ مطمئن است که راسکولنیکوف قرار نخواهد کرد و سرانجام برای رهایی از درد درونی یا همان عذاب‌وجدان زبان به اعتراف می‌گشاید: «قرار خواهد کرد یعنی چه! این ظاهر امر است اصل مطلب چیز دیگری است». نه بدان جهت از من فرار نمی‌کند که نمی‌داند کجا فرار کند بلکه از لحاظ روانی نخواهد گریخت حتی اگر هم محلی برای فرار می‌داشت. آزادی برای دایستن دیالسند نخواهد بود: «البته یاقوبری پتروبچ درست می‌گوید. راسکولنیکوف حتی اگر جایی هم برای فرار داشته باشد به لحاظ روانی نمی‌تواند فرار کند. لابد اعترف از آزادی برایش دلپسندتر است و باید حساب خود را صاف و بی‌دغش را پرداخت کند. بنابراین زبان به اعتراف می‌گشاید «بگذار همه را یک‌مرتبه بگویم». اما علت اعترافات راسکولنیکوف رنده به رشت مسیحی دارد. «رسنگری از طریق مکافات‌دین» مهم‌ترین علت اعتراف راسکولنیکوف است. مکافات برای قاتل رسنگری می‌آورد اما نقطه اوج مکافات خود را هم نه نمایش می‌گذارد. در سنت مسیحی رنج تقدیس می‌شود. حتی بخش مهمی از هنر و ادبیات در روسیه بعد از انقلاب اکتبر متاثر از مقوله رنج در سنت مسیحی است.[1] در این‌صورت رنج چیزی است که روح را پالایش می‌دهد و مهمتر آنکه رنج توجیه‌کننده زندگی می‌شود. به این‌سان در الهیات مسیحی زندگی ذاتا نامعادلانه است و آدمی رنج تاوان نامعادلانه‌گی ذاتی را می‌پردازد. زندگی گناهکار است زیرا رنج می‌برد پس این بدان معناست که زندگی باید توجیه شود یعنی باید از نامعادلانگی خود بازخرید شود. با نجات داده می‌شود از طریق همین رنجی که زندگی را متهم می‌سازد.[2]

بسط این موضوع اما بعد وسیع‌تری می‌یابد: زیرا جانشیع رنج توجیه‌کننده زندگی است و اگر زندگی در اساس نامعادلانه است بنابراین سوژه انسانی باید رنج بکشد تا عدالت را به زندگی بازگرداند. این بی‌عدالتی هماهنگ با الهیات بنیامینی می‌تواند زمینه‌ساز تلاش برای تحقق عدالت در نقطه نهایی - نوعی مسیانیسم- باشد تا به تعبیر تنها بازیگر نمایش «و آنک انسان» -تینا- چیزها را دوباره به سر جای خود بازگرداند. زمان «و آنک انسان» به تحولات بعد از انقلاب اکتبر اشاره می‌کند. بلشویک به کشتن می‌رود. در ۱۹۳۹ مربوط می‌شود. بنابراین و به‌ناگزیر هم از تحولات را در خود دارد. اهمیت این نمایش از یک نظر به‌خاطر آن است که نوسنده توجه خویش‌ناشی‌شدن «اعتراف» است. مسیحی، و «تحولات بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷» بوجود می‌آورد[3]** به عبارت دیگر کوپا نوسنده تحولات بعد از انقلاب اکتبر را دانه الهیات مسیحی در خود جای داده است یا چنین است؟

پانوشت‌ها:

*واژه Schould به آلمانی هم به معنای «گناه» و «خطا» و هم به معنای «بدهی» است. تبارشناسی اخلاقی نیچه ص ۷۸

**مسیحیت مهمی از الهیات تاریخی رنج، و «فقر» به‌مثابه رنجی عمیق تقدیس می‌شود. نمونه بارز آن ماکسیم گورکی است.

***استانیسکی به‌عنوان نوسنده‌ای بسیار تاثیرگذار متاثر از سنت مسیحی است. نوشته‌های او تاثیری عمیق بر تحولات اجتماعی دوران خود و بعد از خود گذاشت.

۱) ر.ک: احباب و مکافات داستایفسکی، مهرآس ص ۴۹۱، ۵۹۰.

۲) نیچه و فلسفه دولوز، عادل مشایخی ص ۴۵

عطف کتاب

تحریر دوم هنر رمان

«هنر رمان، تحریر دوم»، نوشته ناصر ایرانی، کتابی است تحقیقی و نظری رمان که به‌تازگی از سوی «نشر نو» منتشر شده است. این کتاب پیش از این نیز بعلا چیش منتشر شده بود اما ایرانی این اثر را پس از ۱۰ سال بازنویسی کرده است و آنچه این روزها منتشر شده متن بازنویسی شده کتاب است. در بخش اول کتاب به «ماهیت رمان»، در بخش دوم به «صناعت رمان» و در بخش پایانی به «ماهیت رمان»